

بررسی مقایسه‌ای ادبیات جنگ و ساختار آن در کشورهای ایران و فرانسه

نازلی دیکلو*

چکیده

از گذشته‌های دور، در ادبیات کلاسیک ایران و جهان، همواره ادبیات حماسی جایگاهی ویژه داشته است؛ چرا که از دیرباز، حماسه‌آفرینی و حماسه‌باوری جزء اعتقادات و سرگرمی‌های مردم و اسطوره‌های تاریخی و ادبی مورد توجه و احترام همگان بوده است. در ادبیات کلاسیک فارسی، اثر شگرفی چون شاهنامه و در ادبیات یونان باستان، دو شاهکار ایلیاد و ادیسه، گواه این مدعاست. اما در قرن حاضر، با بروز جنگ‌های گوناگون در سراسر جهان، ادبیات حماسی دستخوش تغییرات درخور توجهی شده است و امروزه می‌توان شاهد پدید آمدن انواع خاصی از ادبیات جنگ بود: «ادبیات جنگ میهنی» و «ادبیات مقاومت» در کشورهای مورد تهاجم و «ادبیات ضد جنگ» در کشورهای متجاوز. در کشور ایران نیز به دلیل جنگ ایران و عراق، شکل خاصی از ادبیات مقاومت پدید آمده است و نگارنده در این مقاله می‌کوشد رویکرد ادبیات داستانی ایران را به مقوله جنگ ارزیابی کند و آن را با ادبیات جنگ فرانسه و ساختار آن در زمان جنگ دوم جهانی مقایسه نماید. **واژه‌های کلیدی:** ادبیات داستانی، جنگ، ادبیات مقاومت، حماسه، آگزیستانسیالیسم.

مقوله جنگ از دیرباز، یکی از موضوعات اصلی داستان‌نویسی جهان بوده است؛ چرا که در حقیقت این پدیده، چشم‌انداز گسترده‌ای را پیش روی داستان‌نویس می‌گشاید: نویسنده می‌تواند با ثبت هنرمندانه وقایع و به تصویر کشیدن حماسه‌ها، دلاوری‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌های یک ملت، نگارگر عوارض و تبعات جنگ باشد، مردم را به مبارزه و مقاومت در برابر دشمن ترغیب نماید و حتی گاهی به ترویج عقاید فلسفی جدید بپردازد. شکل‌گیری مکتب «آگزیستانسیالیسم» در کشور فرانسه پس از جنگ دوم جهانی، گواهی بر این مدعاست.

با مطالعه و بررسی سیر داستان‌نویسی جهان در دو قرن اخیر، به این نتیجه می‌رسیم که رمان‌ها و داستان‌های کوتاه بسیاری با الهام از رویدادهای جنگی و به‌ویژه تبعات عظیم و جبران‌ناپذیر جنگ‌های اول و دوم جهانی نوشته شده که دارای ویژگی‌های ادبی خاص آن دوران است. در حقیقت، ادبیات جنگ انواع مختلفی دارد: رمان، داستان کوتاه، شعر و تئاتر. در کشور فرانسه نیز با وقوع جنگ‌های جهانی، شاخه جدیدی از ادبیات ناب پدید آمد که روایتگر بحران‌ها و دردمندی‌های بشر وحشت‌زده آن دوران بود و نوابغی چون رومن رولان (Romain Rolland)، استاندال (Stendhal)، ساموئل بکت (Samuel Beckett)، آنتوان دو سنت اگزوپری (Antoine de Saint-Exupéry)، ژان پل سارتر (Jean-Paul Sartre)، آلبرت کامو (Albert Camus)، پل الوار (Paul Éluard) و لویی آراگون (Louis Aragon)، با الهام از این جنگ‌ها دست به آفرینش شاهکارهای ادبی زده‌اند که همواره در زمره گنجینه‌های ارزشمند ادبی و میراث‌های ماندگار فرهنگ بشر است. برخی از نویسندگان نیز با نگاهی نقادانه به مذمت جنگ و عاملان آن، و نظریه‌پردازان و منتقدان حرفه‌ای به نقد آثار برجسته جنگی پرداخته‌اند. در کشور ایران نیز با بروز جنگ تحمیلی، آثار ادبی فراوانی خلق شده است که نویسندگان آنها - چه آنهایی که خود در جبهه‌های جنگ

حضور داشته و آن را از نزدیک تجربه کرده‌اند و چه آنهایی که از دور شاهد این صحنه‌ها بوده‌اند، هر یک به نوعی، این پدیدهٔ خانمان‌سوز را با نگاهی صادقانه و گاهی منتقدانه به تصویر کشیده‌اند.

به طور کلی می‌توان ادبیات داستانی جنگ ایران را در زمان نبرد با کشور عراق به سه مرحله طبقه‌بندی کرد:

الف. داستان‌نویسی اوایل جنگ، که تنها به صورت خاطره‌نگاری و توصیف میدان‌های جنگ و از جان‌گذشتگی‌ها و دلاورمردی‌های سربازان است و آثار ادبی این دوره دارای فقر صنایع ادبی و مهارت‌های داستان‌نویسی است. در حقیقت، یکی از شاخص‌ترین انواع ادبی جنگ در هر کشور، خاطره‌نگاری یا به عبارت دیگر، نامه‌هایی است که سربازان و یا اسرای جنگی در قالب آن، خاطرات خود را بیان می‌کنند، که اغلب شکل داستانی دارد. بیشتر آثار ادبی دوران جنگ و پس از آن در ایران، توسط اسرای جنگی و در دوران اسارت نوشته شده است، که نویسنده در آنها خاطرات و مصائب خود و هم‌زمان شهید یا در قید حیاتش را به تصویر می‌کشد. در کشورهای اروپایی، از جمله فرانسه، نیز شاهد این‌گونه آثار ادبی هستیم، با این تفاوت که سربازان و اسرای ایرانی، با تکیه بر ایمان و اعتقادات مذهبی و میهن‌پرستانهٔ خود، با زبانی ساده، تنها به بیان خاطراتشان پرداخته‌اند تا این‌گونه، رنجی را که ملت ایران در طول جنگ متحمل شده است، به تصویر کشند و با روحیهٔ مقاومت را در مردم تقویت نمایند، و بیشتر این آثار فاقد قالب و آرایه‌های ادبی است؛ چراکه یک نویسندهٔ واقعی که ذوق ادبی داشته باشد، آنها را خلق نکرده است؛ حال آنکه در کشور فرانسه، نویسندگان و فیلسوفان بزرگی که گاهی خود در جنگ شرکت داشته و حتی جان خود را در راه دفاع از وطن از دست داده‌اند، علاوه بر بیان خاطرات و دلاورمردی‌های خود، با ذوق ادبی فراوان و با تکیه بر فنون داستان‌نویسی، به خلق آثار ادبی و فلسفی هم‌ت گمارده‌اند، که هر یک به نوبهٔ خود شاهکاری ادبی محسوب می‌شود و نه تنها شهرتی جهانی یافته، بلکه دیدگاه بشر به زندگی را متحول ساخته است؛ نویسندگانی چون آنتوان دو سنت اگزوپری، که شاهکارهای خلبان جنگی و شازده کوچولو را به رشتهٔ تحریر درآورده است.

ب. دورهٔ میانی، که از نیمهٔ دوم دههٔ ۶۰ آغاز می‌شود و در این مرحله کیفیت داستان‌ها از نظر شخصیت‌پردازی و نمایش جریان جنگ، پذیرفتنی‌تر است.

ج. دورهٔ پس از جنگ، که در آن بسیاری از نویسندگان به تحلیل روان‌کاوانهٔ بیماری‌های روحی ناشی از بحران جنگ پرداخته‌اند و داستان‌ها پُر از تک‌گویی‌های شخصیت‌های داستانی است و آثار فانتزی و باورناپذیر زیادی نیز نگاشته شده است.

اما ادبیات داستانی فرانسه در دوران جنگ دوم جهانی را می‌توان به دو مرحله طبقه‌بندی کرد:

الف. ادبیات در دوران جنگ و اشغال فرانسه به دست ارتش آلمان: در این برهه از زمان، شاهد شکل‌گیری «ادبیات مقاومت» در فرانسه هستیم و نویسندگان به دو صورت با خلق شاهکارهای ادبی خود

در برابر آلمانی‌ها مقاومت می‌کردند: برخی از نویسندگان و شعراء، همچون آراگون در اثر مسافران سلطنتی، علی‌رغم سانسورهای شدید، به طور ضمنی و در لافاه، مردم را به مقاومت ترغیب می‌کردند؛ به طوری که تنها در صورتی که خواننده، اثر را به دقت مطالعه می‌کرد، متوجه منظور نویسنده یا شاعر می‌شد، و برخی دیگر، چون ورکورس (Vercors) در کتاب سکوت دریده به طور مستقیم و آشکارا به مقاومت می‌پرداختند و آثار آنها مخفیانه در چاپخانه‌های زیرزمینی چاپ می‌شد و به دست خواننده می‌رسید. در حقیقت، نویسندگان در دوران اشغال، به دلیل فشارهای موجود، از بیان حقایق سیاسی - اجتماعی روز به طور مستقیم خودداری می‌کردند و در این دوران، داستان‌های شبانی، پلیسی و یا علمی - تخیلی پُرطرفدار بود. به علاوه، جنگ دوم جهانی موجب شده بود که مردم بیشتر به اندیشه‌های عرفانی و اعتقادات متافیزیکی گرایش پیدا کنند و آثار فلسفی، چون بودن و نیستی (L'Être et le Néant)، به قلم ژان پل سارتر - که حاوی اندیشه‌های اگزیستانسیالیستی وی بود - و یا بیگانه (L'Étranger) آلبرت کامو - که بر اندیشه‌های پوچ‌گرایانهٔ وی تکیه داشت - توجه بسیاری را به خود جلب می‌کرد. در حقیقت، ادبیات مقاومت در فرانسه شاهد دو گرایش کاملاً متفاوت است: گرایش «ایدئولوژیکی» و گرایش «پوچ‌گرا».

ب. ادبیات پس از جنگ دوم جهانی: پس از پایان جنگ، بر مبنای دیدگاه‌های متفاوتی که در دورهٔ اشغال در فرانسه شکل گرفته بود، دورهٔ جدیدی از ادبیات به وجود آمد:

۱. ادبیاتی که تحت تأثیر مارکسیسم و اندیشه‌های سارتر، به عنوان پایه‌گذار مکتب اگزیستانسیالیسم، شکل گرفته بود و نگرشی منفی و پوچ‌گرا داشت.

۲. ادبیاتی که با تکیه بر اعتقادات کمونیستی، به نفی پوچ‌گرایی می‌پرداخت و لقاءکنندهٔ اندیشه‌های برادری، عشق، آزادی و برابری جنسیتی بود.

۳. ادبیات شهادت (شهادت‌های ادبی) La littérature de témoignage)، که تمامی تجربیات جنگ و دوران اشغال و مقاومت را با تمام جزئیات آن، به طور صادقانه و بی هیچ اغراق و بزرگ‌نمایی به تصویر می‌کشید.

۴. ادبیات رئالیستی، که از داغ‌ترین وقایع روز الهام می‌گرفت.

۵. ادبیات کلاسیک، که اغلب به موضوع جنگ نمی‌پرداخت و نویسنده در خلق آثار خود، علی‌رغم استفاده از قالب داستانی سنتی، از سبک و فنون داستان‌نویسی جدید بهره می‌برد.

با بروز جنگ دوم جهانی و به‌ویژه پس از پایان آن، اغلب نویسندگان با تکیه بر اندیشه‌های سوررئالیستی، دیگر از قواعد رمان‌نویسی سنتی و رئالیستی استفاده نکردند و از هر نوع تحلیل‌های روان‌شناختی و واقع‌گرایانه خودداری نمودند؛ در نتیجه، نوع جدیدی از داستان‌نویسی، به نام «رمان نو» (Le nouveau roman) به وجود آمد که نویسنده در این نوع ادبی، در انتخاب موضوع و شکل داستان کاملاً آزاد بود.

ویژگی‌های بارز این نوع رمان عبارتند از:

۱. از بین بردن خصوصیات شخصیت‌های داستانی کلاسیک و پی‌رنگ داستان؛
۲. خودگویی‌های شخصیت‌های داستانی؛
۳. ساختار شکنی قالب‌های داستان‌نویسی کلاسیک: نقطه نگذاشتن و ...؛
۴. وجود اندیشه‌های نویسنده در داستان؛
۵. استفاده از موضوعات داستانی مختلف.

در حقیقت، با مطالعه و بررسی داستان‌نویسی دوران جنگ و پس از آن در کشورهای ایران و فرانسه، به تفاوت‌های چشمگیری برمی‌خوریم. مجموعه رمان‌های جنگی را که در ایران نوشته شده است، می‌توان به دو گروه دسته‌بندی کرد:

۱. رمان‌هایی چون نخل‌های بی‌سر، به قلم قاسمعلی فراس، عروج، نوشته ناصر ایرانی، سرود مردان آفتاب، اثر غلامرضا عیدان، و اسماعیل اسماعیل به قلم محمود گلابدیه‌ای، که دیدگاهی مثبت به جنگ دارند و شخصیت‌های داستانی آنها با تکیه بر اعتقادات مذهبی، تنها برای دفاع از میهن و شهادت برای رضای پروردگار مبارزه می‌کنند.
۲. رمان‌هایی چون زمستان ۶۲ و ثریا در اغما، به قلم اسماعیل فصیح، و آداب زیارت، اثر تقی مدرسی، که نگاهی منفی به مقوله جنگ دارند و شهادت در راه دین و وطن، برای شخصیت‌های داستانی آنها ارزش و ملاک نیست و اغلب آنها اهل غارت و فرار هستند. در حقیقت، نویسندگان ایرانی در رمان‌های جنگی خود، تنها به موضوعاتی چون شهادت، اسارت، موج‌گرفتگی، جانبازی، مهاجرت، بمباران و دوره پس از اسارت پرداخته‌اند؛ حال آنکه نویسندگان فرانسوی دیدگاهی

در ادبیات جنگی ایران، همواره شاهد آن

هستیم که نویسنده می‌کوشد اثری آموزنده خلق نماید و به ترویج الگوهای رفتاری پردازد؛ اما از آنجا که این آموزه‌ها به طور مستقیم صورت می‌گیرد و با ظرافت و بیانی غیر صریح مطرح نمی‌شود، تأثیری ماندگار در ذهن خواننده ندارد؛ در حالی که نویسندگان فرانسوی در آثار خود اندیشه‌های مذهبی و فلسفی را با بیانی غیر مستقیم و با مهارت فراوان، به گونه‌ای به خواننده القاء می‌کنند که خود با اندکی تأمل، با نویسنده هم‌اندیشه می‌شود

در ادبیات جنگی
شاهین ایران همواره
کتاب نویسنده
می‌کوشد اثری
آموزنده و پرورنده
نمایند به هر رو

کاملاً متفاوت به پدیده ویرانگر جنگ دارند و علاوه بر به تصویر کشیدن مصائب مردم، بیشتر به بررسی علل شکست فرانسه در مقابل ارتش آلمان در جنگ دوم جهانی پرداخته و همواره کوشیده‌اند به ملت خود نشان دهند که می‌توان از هر شکست پند گرفت. برخی دیگر از نویسندگان نیز اعتقادات کمونیستی، جهان وطنی و فراماسونی را دلیل شکست فرانسه در مقابل ارتش آلمان دانسته و به تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌اند.

در واقع، یکی از تفاوت‌های آشکار ادبیات جنگ در ایران و فرانسه، دیدگاه کاملاً متفاوت نویسندگان ایرانی و فرانسوی به جنگ است: نویسندگان ایرانی هرگز با نگاهی باریک‌بینانه به بررسی علل وقوع جنگ ایران و عراق و یا اشغال خرمشهر نپرداخته‌اند و ادبیات جنگ در ایران هرگز جنبه تحلیلی ندارد و کاملاً روایی است؛ در نتیجه نتوانسته تأثیری ماندگار در اذهان داشته باشد.

بن‌مایه اصلی ادبیات جنگ در این دو کشور نیز با یکدیگر متفاوت است: ادبیات داستانی جنگ و مقاومت در ایران، بر ۴ اصل «به تصویر کشیدن حوادث جنگ»، «تقویت روحیه شهادت‌طلبی»، «از جان گذشتگی در راه نجات وطن» و «آسیب‌شناسی تبعات اجتماعی جنگ» تکیه دارد؛ حال آنکه در ادبیات داستانی فرانسه، نویسندگان علاوه بر به تصویر کشیدن صحنه‌های جنگ و آسیب‌شناسی آن، بیشتر سعی دارند نور امید به زندگی را در دل خواننده روشن کنند و با نگاهی فلسفی به مسائل، به شناخت بیشتر بشریت بپردازند و یا درس اخلاق و انسان‌دوستی به خواننده خود بدهند.

شخصیت‌های داستانی ادبیات جنگ این دو کشور نیز با یکدیگر تفاوت دارد؛ به طور کلی، اسطوره‌های مقاومت که برای دفاع از وطن و باورهای مذهبی خود از جان گذشته‌اند، افراد سال‌خورده، پدر و پسری که اغلب یکی خود را فدای دیگری می‌کند، خانواده شهید که صبر و شکیبایی پیشه می‌کنند، فرزندان شهید و جانبازان و کودکان آواره‌ای که خانه و خانواده خود را از دست داده‌اند، شخصیت‌های داستانی ادبیات جنگ ایران را تشکیل می‌دهند و هویت تمامی این افراد، همانند قواعد داستان‌نویسی کلاسیک، کاملاً مشخص است؛ حال آنکه در فرانسه، نویسندگان دست به ساختار شکنی می‌زنند و بنا بر قواعد رمان نو، که تکیه بر قواعد سوررئالیستی دارد، هویت شخصیت‌های داستانی خود را مشخص نمی‌کنند؛ نام، نشان، شغل و گذشته آنها معلوم نیست و اغلب از قشر فقیر جامعه هستند تا این گونه معلوم شود که قربانی ناعدالتی‌ها شده‌اند.

از اساسی‌ترین تفاوت‌های اسطوره‌های مقاومت در ادبیات جنگ ایران و فرانسه، این است که سربازان فرانسوی، تنها برای دفاع از وطن و با تکیه بر باورهای میهن‌پرستانه خود به مبارزه می‌پردازند؛ حال آنکه سربازان ایرانی، علاوه بر میهن‌دوستی، به دلیل باورهای مذهبی - که فراتر از هر نوع اندیشه مادی‌گرایانه است - مبارزه می‌کنند؛ در نتیجه، اندیشه‌های متافیزیکی، بیش از هر چیز در پیشبرد عناصر داستان نقش دارد؛ اگرچه در بعضی از داستان‌های فرانسوی نیز

**اغلب داستان‌های جنگی در ایران بر پایه نظام
علیت غیر مادی، امدادهای غیبی و کشف و
شهودهای باطنی است که تکیه بر باورهای
مذهبی دارد؛ اما اغلب نویسندگان نتوانسته‌اند
با ظرافت‌های ادبی و ایجاد فضایی مناسب،
آنها را باورپذیر جلوه دهند و حتی گاهی به
بزرگ‌نمایی و اغراق روی آورده‌اند؛ در صورتی
که تمامی داستان‌های فرانسوی حقیقت‌گرایند
و تنها به بیان حقایق می‌پردازند و نویسندگان
در آثار خود از نیروهای ماوراءالطبیعی استفاده
نکرده‌اند، تا این‌گونه بتوانند دنیای جنگ و
حوادث خون‌بار آن را واقعی جلوه دهند، و به
طور کلی، آثار ادبی جنگ در فرانسه عاری از
هر گونه بزرگ‌نمایی‌اند**

فرانسوی حقیقت‌گرایند و تنها به بیان حقایق می‌پردازند و نویسندگان در آثار خود از نیروهای ماوراءالطبیعی استفاده نکرده‌اند، تا این‌گونه بتوانند دنیای جنگ و حوادث خون‌بار آن را واقعی جلوه دهند، و به طور کلی، آثار ادبی جنگ در فرانسه عاری از هر گونه بزرگ‌نمایی‌اند. اکثر آثار ادبی جنگ در ایران مطلق‌گرا و فاقد گره داستانی و انسجام درونی‌اند و پایان آنها را می‌توان به راحتی پیش‌بینی کرد؛ در نتیجه خواننده تمایلی به خواندن ادامه داستان ندارد؛ در حالی که نویسندگان فرانسوی با تکیه بر ظرافت‌های ادبی و فنون بیان، پیام خود را به طور غیر مستقیم به خواننده منتقل و این‌گونه وی را شریک دردها، هیجان‌ها و مشکلات شخصیت‌های داستانی خود می‌کنند؛ به طوری که با اشتیاق فراوان داستان را ادامه می‌دهد و به آسانی نمی‌تواند پایان آن را پیش‌بینی کند.

علاوه بر داستان‌های کوتاه و بلند، شعر نیز یکی از قالب‌های مهم ادبیات جنگ در کشورهای ایران و فرانسه به شمار می‌آید. از آنجا که پدیده جنگ و دفاع از وطن در ایران همواره آمیخته با مؤلفه‌های مذهبی بوده است، شعر دوران جنگ نیز همچون داستان‌ها، فضایی معنوی دارد. به علاوه، از آنجا که شعر جنگ همیشه نقش ترغیبی دارد، باید از جوهره ناب شعری برخوردار باشد؛ اما متأسفانه اشعار جنگ نیز همچون ادبیات داستانی، اغلب فاقد صنایع بدیع ادبی است؛ چراکه بیشتر شاعران دوران جنگ از پشتوانه مطالعات ادبی و ذوق و قریحه شاعری برخوردار نبوده‌اند. از شاعران سرشناس دوران جنگ می‌توان به قیصر امین‌پور، سلمان هراتی، علیرضا قزوه، عبدالجبار کاکایی و زکریا اخلاقی اشاره کرد.

به طور کلی، ویژگی‌های شعرسرایی شاعران دوران جنگ عبارتند از:

می‌توان شاهد اندیشه‌های مذهبی بود، اما این باورها نقش بسزایی در سیر داستان ندارند.

یکی از مشکلات اصلی ادبیات جنگ در ایران، این است که هیچ‌گاه، نویسنده‌ای که خود در میدان جنگ حضور داشته و آن را از نزدیک تجربه کرده است، با تکیه بر ذوق و مهارت داستان‌نویسی، دنیای واقعی جنگ را به تصویر نکشیده و آثار ادبی در مدت زمانی کوتاه، بدون بازنگری و به دست افرادی خلق شده است که به فنون داستان‌نویسی تسلط نداشته و اغلب از ذوق ادبی بی‌بهره بوده‌اند و صرفاً روایت حوادث جنگی را رسالتی برای خود می‌دانسته‌اند. در نتیجه، آثار جنگی، فاقد قالب و صنایع بدیع ادبی است و نویسندگان اغلب از الگوهای محدود و تکراری استفاده کرده‌اند: افرادی غیر متمهّد، به دلایل مختلف به جبهه راه می‌یابند و تحت فضای معنوی آنجا منقلب و به قهرمانی پاک مبدّل می‌شوند و گاهی با شهادت، روحشان تطهیر می‌یابد؛ که البته این تحولات ناگهانی روحی و فکری، طبیعی نیست و به باورپذیری داستان لطمه می‌زند؛ چراکه هر تحوّلی باید در پی کشمکش‌های فراوان درونی و بیرونی شخصیت‌های داستانی باشد. این در حالی است که در فرانسه، نویسندگان بزرگی که اغلب خود در جنگ حضور داشته و از نزدیک مصائب و مشکلات آن را لمس کرده‌اند و حتی گاهی جان خود را در راه دفاع از وطن از دست داده‌اند، با ذوق و مهارت فراوان و با تکیه بر فنون داستان‌نویسی، شاهکارهای شوق‌انگیز و ماندگاری در حوزه ادبیات جنگ خلق کرده‌اند که شهرتی جهانی یافته و جوایز ادبی بسیاری را به خود اختصاص داده‌اند.

در ادبیات جنگی ایران، همواره شاهد آن هستیم که نویسنده می‌کوشد اثری آموزنده خلق نماید و به ترویج الگوهای رفتاری بپردازد؛ اما از آنجا که این آموزه‌ها به طور مستقیم صورت می‌گیرد و با ظرافت و بیانی غیر صریح مطرح نمی‌شود، تأثیری ماندگار در ذهن خواننده ندارد؛ در حالی که نویسندگان فرانسوی در آثار خود اندیشه‌های مذهبی و فلسفی را با بیانی غیر مستقیم و با مهارت فراوان، به گونه‌ای به خواننده القاء می‌کنند که خود با اندکی تأمل، با نویسنده هم‌اندیشه می‌شود.

بسیاری از نویسندگان ایرانی با اقتباس و الگوبرداری از شاهکارهای جنگی در ادبیات سایر کشورها، آثار خود را خلق کرده‌اند و گاهی ساختار و برخی از عناصر داستانی چند اثر آن‌چنان به یکدیگر شباهت دارد که گویی شخص واحدی آنها را نوشته است؛ حال آنکه هر یک از آثار جنگی در فرانسه، خود الگویی ادبی به شمار می‌آید و هیچ یک شبیه به دیگری نیست.

اغلب داستان‌های جنگی در ایران بر پایه نظام علیت غیر مادی، امدادهای غیبی و کشف و شهودهای باطنی است که تکیه بر باورهای مذهبی دارد؛ اما اغلب نویسندگان نتوانسته‌اند با ظرافت‌های ادبی و ایجاد فضایی مناسب، آنها را باورپذیر جلوه دهند و حتی گاهی به بزرگ‌نمایی و اغراق روی آورده‌اند؛ در صورتی که تمامی داستان‌های

- بهره‌گیری از قالب نیمایی
- استفاده از زبان روایی
- سرودن اشعار طولانی
- بهره‌گیری از زبان شعارگونه
- عدم استفاده از تصویر و آرایه‌های بدیع ادبی
- تلفیق نمادهای ملی و مذهبی

ویژگی‌های ذکرشده بیشتر در اشعار اوایل جنگ به چشم می‌خورد و با گذشت زمان، زبان شعر ملایم‌تر و عمیق‌تر شده است و شاعران در اشعار خود از نمادها و صنایع ادبی بیشتری استفاده کرده‌اند. در حقیقت، رفته رفته زبان شعاری اشعار به زبان توصیفی، روایتی و بیانی تبدیل شده است و شاعران به جای شعارسرایی، به معناگریزی (تأخیر معنایی) روی آورده‌اند؛ اما با این همه، شعر دوران جنگ در ایران در مقایسه با اشعار دوران جنگ در اروپا، به‌ویژه در کشور فرانسه، بسیار ضعیف است. در حقیقت، در دوران مقاومت و اشغال فرانسه توسط نازی‌ها، شعرای بزرگ و نامی، چون لویی آراگون و پل الوار، همواره می‌کوشیدند ساده‌تر شعر بسرایند و از به‌کارگیری عروض سنتی خودداری کنند تا اشعارشان برای همگان فهمیدنی باشد و این‌گونه بتوانند مردم را به مقاومت در برابر آلمانی‌ها ترغیب نمایند. شعرا در زمان اشغال فرانسه سعی داشتند در اشعار خود به موضوعاتی بپردازند که نور امید را در دل مردم زنده نگه دارد و آنها را به مقاومت و پایداری فرا خواند: مدح طبیعت، زمین و وطن، ستایش عشق و زندگی. در واقع، شعرای فرانسوی در دوران جنگ از اصول شعارسرایی سوررئالیستی بهره می‌بردند:

- استفاده از زبان ساده و فهمیدنی برای عموم مردم
- به‌کارگیری قافیه‌های درونی
- استفاده از صنعت تکرار، جناس و جابه‌جایی سیلاب‌ها و حروف به منظور ایجاد وزن شعری

به رغم آنکه شاعران فرانسوی سعی داشتند در دوران مقاومت اشعاری ساده و در عین حال در نوع خود بی‌نظیر خلق کنند، اما پس از پایان جنگ، بعضی از شعرای نامی دوران مقاومت، همچون لویی آراگون، دوباره به شعارسرایی بر طبق اصول کلاسیک روی آوردند؛ چراکه سبک ساختارشکن سوررئالیستی را چندان مناسب نمی‌دانستند. اما علت تفاوت‌های آشکار موجود میان آثار ادبی دوران جنگ در ایران و فرانسه چیست؟ شاید بتوان استقبال کافی نکردن مردم از ادبیات جنگ در ایران را یکی از این عوامل دانست. در زمان جنگ دوم جهانی در فرانسه، به رغم تمامی مشکلات و محدودیت‌های موجود، سانسور شدید آثار ادبی و فقر شدید حاکم در جامعه، مردم علاقه زیادی به مطالعه نشان می‌دادند و بر طبق آمارها، میزان مطالعه در زمان جنگ در فرانسه، دو تا سه برابر افزایش یافته بود؛ تا آنجا که حتی بعضی از آثار تا ۶۵ هزار نسخه فروش داشته است؛ حال آنکه در ایران هرگز مردم در زمان جنگ ایران و عراق و پس از آن، از آثار ادبی مربوط به جنگ چنین استقبال نکرده‌اند. البته

شاید علت اصلی استقبال نکردن مردم ایران از این نوع آثار، این باشد که هیچ نویسنده یا شاعر قابل و باذوقی که تسلط کافی به تمامی فنون داستان‌نویسی یا شعرسرایی داشته باشد، شاهکاری ادبی خلق نکرده است که توجه خواننده را به خود جلب نماید، و تمامی ضعف‌های ادبیات داستانی جنگ که پیش‌تر ذکر شد، موجب شده است که ادبیات ایران در این زمینه بیمار باشد. از طرف دیگر، هیچ‌گاه نظریه‌پردازان و منتقدان حرفه‌ای به تجزیه و تحلیل و نقد آثار مربوط به جنگ در ایران نپرداخته‌اند و در زمینه آسیب‌شناسی ادبیات جنگ، تنها نوشته‌هایی غیر منسجم و بیشتر در قالب مصاحبه‌های کلیشه‌ای در دست است. در حقیقت، نویسندگان ایرانی، به‌ویژه در زمان جنگ، نسبت به نویسندگان فرانسوی در شرایط بهتری قرار داشته و برای خلق آثار خود هیچ‌گونه محدودیتی نداشته‌اند؛ حال آنکه نویسندگان فرانسوی در فضایی بسیار محدود و تحت سانسورهای بسیار شدید و گسترده نازی‌ها باید آثار خود را می‌نوشتند. به علاوه، سابقه ادبی کشور ایران، نسبت به کشور فرانسه بسیار غنی‌تر است؛ اما با این همه، ادبیات جنگ ایران بسیار ضعیف است و جا دارد از یک سو نویسندگان بزرگ و سرشناس ایرانی در آثار خود به مقوله جنگ توجه بیشتری داشته باشند؛ چراکه این پدیده خانمان‌سوز در برهه‌ای از زمان، زندگی بسیاری از ایرانیان را تحت تأثیر خود قرار داده است، و از سویی دیگر باید منتقدان و نظریه‌پردازان ادبی به بررسی هرچه بیشتر آن بپردازند تا این‌گونه، گامی در زمینه پیشرفت ادبیات جنگ در ایران برداشته شود.

پی‌نوشت

* کارشناس ارشد مترجمی زبان فرانسه.

کتابنامه

- تریب، ضیاءالدین، ۱۳۸۴، شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس). قم: سماء قلم.
- میرعابدینی، حسن، ۱۳۶۹، صد سال داستان‌نویسی در ایران. ج ۱ و ۲، تهران: تندر.
- خادمی کولایی، مهدی، ۱۳۸۶، «آسیب‌شناسی ادبیات داستانی جنگ تحمیلی». ماهنامه ادبیات داستانی. سال سیزدهم، شماره ۱۱۱.
- رستگار، مهدی، ۱۳۷۳، «نوامدگان شعر انقلاب اسلامی (نقد و بررسی زبان، قالب و تصویرسازی شعر معاصر)». مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، قم: مهر.
- مرادی، غلامرضا، ۱۳۷۲، مجموعه مقالات سمینار بررسی رمان جنگ در ایران و جهان. تهران: بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی.
- Berton, Jean-Claude, ۲۰۰۴. Histoire de la littérature et des idées en France au XXe siècle. Paris, Hatier
- Mitterrand, ۱۹۹۱. Littérature: XXe siècle, textes et documents. - Paris: Nathan